

منهای فوتبال

وقتی فینال رویایی والیبال آسیا زودتر از موعد فرا می‌رسد شوکه در راه است؟
نگار رشنیدی

صدای بر خورد محکم توپ با کف پوش سالن، فریادهای از سر شوق بازیکنان و سسکوهایی که حتی برای یک لحظه از التهاب نمی‌افتند؛ این‌ها تنها بخشی از اتمسفر نفس گیر رقابت‌های والیبال قهرمانی آسیاست. تورنمنتی که این‌بار فقط یک جام قهرمانی قاره‌ای نیست، بلکه دروازه‌ای طلایی برای ورود به رویای بزرگ المپیک لس آنجلس به شمار می‌رود. ۱۲ تیم با تمام قوا پا به میدان گذاشته‌اند، اما در میان تمام هیاهوها، یک خبر، یک معادله ریاضی و یک احتمال شوکه کننده، تمام توجهات را به خود جلب کرده‌است؛ فینال کلاسیک آسیا ممکن است هرگز بر گزار نشود!

تیم ملی والیبال ایران، بانماییش مقتدرانه و حفظ تمرکز در لحظات بحرانی، تا پایان دور دوم مرحله گروهی رقابت‌ها، توانسته است نام خود را بر صدر جدول کلی مسابقات حک کند. دو پیروزی از شش‌دور، و حربه‌ای مضاعف به اردوی تیم ملی تزریق کرده و هواداران را به تکرار روزهای اوج والیبال ایران امیدوار ساخته است. اما در دنیای ورزش حرفه‌ای، گاهی موفقیت و صدر نشینی، شمارادر مسیری قرار می‌دهد که پراز مین‌های تاکتیکی است. گزارش‌های اخیر پرده‌از یک سناریوی عجیب برداشته‌اند؛ سناریویی که نشان می‌دهد ایران صدر نشین، در مسیر رسیدن به جام قهرمانی، ممکن است یک ایستگاه‌زودتر از موعد مقرر، به بزرگ‌ترین رقیب و کابوس سال‌های اخیر خود، یعنی تیم ملی ژاپن روبه‌رو شود. برای درک این شوک بزرگ، باید نگاهی دقیق‌تر به فرمول و ساختار برگزاری این دوره را رقابت‌ها بیندازیم. مسابقاتی که باحضور ۱۲ تیم در سه گروه چهار تیمی آغاز شده و اکنون به حساس‌ترین مقطع خود در دور مقدماتی رسیده است. قوانین این دوره به این شکل طراحی شده‌اند؛ دو تیم برتر از هر گروه (مجموعاً ۶ تیم) به طور مستقیم صعود می‌کنند، دو تیم سوم که بهترین عملکرد را داشته‌اند نیز به جمع آنها اضافه می‌شوند تا پازل هشت تیم مرحله یک‌چهارم نهایی تکمیل شود. تا اینجا یک کار همه‌چیز طبیعی به نظر می‌رسد، اما پیچیدگی و هیجان داستان دقیقاًاز جایی آغاز می‌شود که این هشت تیم صعود کننده، نه بر اساس نمودارهای از پیش تعیین شده گروهی، بلکه بر اساس عملکرد کلی و امتیازات کسب‌شده در مرحله مقدماتی، ازرتبه‌اول تا هشتم، رده‌بندی یا به اصطلاح سیدبندی می‌شوند. نحوه تقابل‌ها در مرحله یک‌چهارم نهایی به این شرح است:



بازی اول: تیم اول جدول – تیم هشتم جدول
بازی دوم: تیم چهارم جدول – تیم پنجم جدول
بازی سوم: تیم دوم جدول – تیم هفتم جدول
بازی چهارم: تیم سوم جدول – تیم ششم جدول
طبق قوانین مسابقات، برنده بازی اول به مصاف برنده بازی دوم می‌رود و اینجااست که رنگ خطر به صدا درمی‌آید! با پایان یافتن دومین مسابقه از دور گروهی (از جمله دیدار حساس کره جنوبی و تایلند)، جدول رده‌بندی کلی مسابقات شکل عجیبی به خود گرفته است. نگاهی به پنج تیم بالای جدول، عمق ماجرا را روشن می‌کند:
۱. ایران (دو اوج قدرت و هماهنگی)
۲. استرالیا (کانگوروهای همیشه خطرناک)
۳. چین (دیار بلندشرقی)
۴. ژاپن (اسامورای‌های غیرقابل پیش‌بینی)
۵. تایلند (شگفتی‌سازان چاپک)

اگر فرض کنیم این جایگاه‌ها تا پایان سوت آخرین بازی دور مقدماتی دست‌نخورده باقی‌بماند، ایران به عنوان تیم اول باید با تیم هشتم بازی کند و ژاپن به عنوان تیم چهارم باید به مصاف تیم پنجم (احتمالاً تایلند) برود. با پیروزی احتمالی دو غول والیبال آسیا در دیدارهای یک‌چهارم نهایی، نمودار مسابقات آنها را در مرحله نیمه‌نهایی به هم می‌رساند! سال‌هاست که طرقداران والیبال در سراسر قاره کهن، عادت کرده‌اند که برپونده هر تورنمنت مهمی با نبرد حماسی ایران و ژاپن بسته شود. تقابل قدرت بدنی، دفاع روی تور بی‌نظیر و حملات کوبنده ایران در برابر سرعت مبهوت کننده، توپ‌گیری‌های خارق‌العاده داخل میدان و سروسیس‌های کشنده ژاپن، همیشه یک فینال رویایی را رقم زده است. اما حالا تصور کنید این نبرد گلدایاتوری در مرحله نیمه‌نهایی برگزار شود. این یعنی یکی از دودرت با لمنازع آسیا قبل از رسیدن به فینال حذف خواهد شد و دستش از جام قهرمانی کوتاه می‌ماند. فشاری که در یک بازی تیم‌نهایی با این سطح از اهمیت (آن هم با در نظر گرفتن امتیازات حیاتی برای سهمیه المپیک لس آنجلس) وجود دارد، می‌تواند این مسابقه را به یکی از ترنش‌ترین، عصمت‌ترین در عین حال زیباترین بازی‌های تاریخ والیبال آسیا تبدیل کند. در سوی دیگر جدول، تیم‌هایی مانند استرالیا و چین با بلخندی پنهان این معادلات را نظاره می‌کنند. بر خورد زود هنگام ایران و ژاپن، مسیر آنها را برای رسیدن به فینال و شاید خلق یک شگفتی بزرگ، هموارتر خواهد کرد.

آیا این فینال زودرس قطعی است؟ خبر! هنوز یک دور دیگر از مسابقات مرحله گروهی باقی مانده است. در دنیای والیبال، جایی که سرنوشت یک مسابقه گاهی با یک میلی‌متر لمس توپ روی تور یا توپ را یک تصمیم تکنولوژی و بدنیوی (ویدئو چک) تغییر می‌کند، جایگاه تیم‌ها در جدول می‌تواند دستخوش تغییرات بزرگی شود. ممکن است ژاپن در بازی آخر خود با یک پیروزی قاطع، جایگاه دوم با سوم را؛ استرالیا و چین پس بگیرد و به سمت دیگر نمودار کوچ کند. از طرفی، تیم ملی ایران نیز تنها به پیروزی و حفظ صدرنشینی فکر می‌کند، چرا که ذهنیت یک قهرمان واقعی، محاسبه برای فرار از رقبای نیست، بلکه غلبه بر هر تیمی است که در مسیرش قرار می‌گیرد. مسیر پیش‌روی شاگردان ایران، مسیری است آمیخته با عرق، تلاشی و تاکتیک. باید منتظر ماند و دید آیا سوت پایان دور مقدماتی، سند تقابل مرگبار ایران و ژاپن در نیمه‌نهایی را امضا می‌کند، یا معادلات در لحظه آخر به نفع یک فینال سنتی و کلاسیک تغییر خواهد کرد؟

آزیا طاری

فوتبال، این درام بی‌رحم و غیرقابل پیش‌بینی، گاهی اوقات تمام داستان‌هاش را نه در تاکتیک‌های پیچیده درون زمین، که در تصمیمات بیرون از مستطیل سبزه و اتفاقات طعنه‌آمیز پنهان می‌کند. دیدار استقلال و آلومینیوم در هفته ششم لیگ بیست‌وششم، دقیقاً تلور چنین مسابقه‌ای بود؛ شبی در ورزشگاه امام خمینی اراک که سوت پایانش با تساوی بدون گل به صدا در آمد، اما در دل این صفر بزرگ، هزاران قهقه از جنس انضباط، خشم، درخشش و البته هشدارهای پنهان نهفته بود. استقلال در شرایطی سومین تساوی متوالی فصل خود را تجربه کرد که چهره این مسابقه، نه مهاجمان میلیاردی، بلکه سرمربی خشمگین روی نیمکت و دروازه‌بان شگفت‌انگیز

پر ده‌اول: مشت آهنین سهراب و تیمی که خلع سلاح شد
برای درک آنچه در اراک گذشت، باید به چند روز قبل از مسابقه و تمرینات پر التهاب کمپ ناصر حجازی بازگردیم. سهراب بختیاری زاده، سرمربی آبی‌ها، پیش از آنکه سوار اتوبوس تیم برای سفر به اراک شود، تصمیم گرفت یک پیام واضح، قاطع و البته پرهزینه به رختکن تیمش مخابره کند؛ هیچ نامی بزرگ‌تر از استقلال نیست و هیچ بازیکنی از تیغ انضباط در امان نخواهد بود. سهراب در اقدامی که شجاعت و ریسک‌پذیری بالایی می‌طلبید، صالح‌خردانی را به دلیل مسائل انضباطی از اردوی تیم اخراج کرد و مهم‌تر از آن، سعید سحرخیزان، مهاجم آماده و تشنه گلزنی این روزهایش را به عنوان جریمه، روی نیمکت تبعید کرد. این تصمیمات انضباطی باعث شد تا استقلال با چهره‌ای کاملاً دگرگون و بدون حتی یک مهاجم هدف تخصصی پا به چمن ناهموار اراک بگذارد. بار خط حمله بر دوش هافبک‌ها و وینگرهایی چون محمدحسین اسلامی، یاسر آسانی، اسماعیل قلی‌زاده و علیرضا کوشکی افتاد. این قمار انضباطی، اگرچه اتورپته و قدرت سهراب را در رختکن به رخ کشید،

اما در زمین مسابقه، استقلال را تبدیل به شیربی‌دندان کرد. تیم در فاز تهاجمی فاقد زهر همیشگی بود و هارمونی خط حمله، به واسطه غیبت یک تمام‌کننده کلاسیک، کاملاً از بین رفته بود. استقلال در اراک نشان داد که تنبیه انضباطی ستاره‌ها، توانایی سنگین به وسعت عقیم شدن تاکتیک‌های هجومی دارد.

پرده دوم: پرواز تاریخی یک استقلالی استقلال کش!
با وجود تمام آشفتگی‌های خط حمله، استقلال می‌توانست در همان نیمه اول کار را تمام کند، اما در برابر آنها، پسری ایستاده بود که عجیب‌ترین پارادوکس این مسابقه را رقم زد؛ محمد خلیفه. دروازه‌بان جوانی که قرار داشت را با استقلال امضا کرده و قرار است در نیم‌فصل دوم وظیفه حراست از قفس توری آبی‌ها را بر عهده بگیرد، در قامت یک سد بتنی، رویاهای تیم آینده‌اش را ویران کرد. دقیقه ۳۳ این دیدار، بدون شک در آرشivio بهترین لحظات لیگ بیست‌وششم ثبت خواهد شد. حمله‌ای سریع از سوی استقلال شکل گرفت. پاس تودرو زمینش کوشکی به محوطه جریمه، محمدحسین اسلامی را در موقعیتی عالی قرار داد. شوت زمینی و دقیق اسلامی به گوشه دروازه، با واکنش استثنایی و یک‌دست خلیفه دفع شد. اما این پایان ماجرا نبود؛ توپ برگشتی دقیقاً در دهانه دروازه و در موقعیتی صدرصد به یاسر آسانی رسید. وینگر البانیایی استقلال که می‌دید خلیفه روی زمین افتاده، با خیالی آسوده و ضربه‌ای سر ضرب، دروازه را هدف گرفت. نبی‌ی از ورزشگاه نیم خیز شدند تا گل استقلال را فریاد بزنند، اما در

یافته‌های تیمی که خلع سلاح شد

برای درک آنچه در اراک گذشت، باید به چند روز قبل از مسابقه و تمرینات پر التهاب کمپ ناصر حجازی بازگردیم. سهراب بختیاری زاده، سرمربی آبی‌ها، پیش از آنکه سوار اتوبوس تیم برای سفر به اراک شود، تصمیم گرفت یک پیام واضح، قاطع و البته پرهزینه به رختکن تیمش مخابره کند؛ هیچ نامی بزرگ‌تر از استقلال نیست و هیچ بازیکنی از تیغ انضباط در امان نخواهد بود. سهراب در اقدامی که شجاعت و ریسک‌پذیری بالایی می‌طلبید، صالح‌خردانی را به دلیل مسائل انضباطی از اردوی تیم اخراج کرد و مهم‌تر از آن، سعید سحرخیزان، مهاجم آماده و تشنه گلزنی این روزهایش را به عنوان جریمه، روی نیمکت تبعید کرد. این تصمیمات انضباطی باعث شد تا استقلال با چهره‌ای کاملاً دگرگون و بدون حتی یک مهاجم هدف تخصصی پا به چمن ناهموار اراک بگذارد. بار خط حمله بر دوش هافبک‌ها و وینگرهایی چون محمدحسین اسلامی، یاسر آسانی، اسماعیل قلی‌زاده و علیرضا کوشکی افتاد. این قمار انضباطی، اگرچه اتورپته و قدرت سهراب را در رختکن به رخ کشید،

اگر این روند امتیاز از دست دادن هادامه پیدا کند، اگر استقلال در بازی‌های آینده نتواند به مسیر پیروزی بازگردد و فاصله با صدر جدول بیشتر شود، همین هوادارانی که امروز برای اخراج ستاره‌ها هورا می‌کشند، فردا در سکوها و فضای مجازی بقیه سرمربی را خواهند گرفت

وقتی «خلیفه» تاج و تخت استقلال را لرزاند و زنگ خطر به صدا در آمد!

قمار بزرگ سهراب

کسری از ثانیه، معجزه‌ای رخ داد. خلیفه در حالی که تعادلش را از دست داده و روی چمن افتاده بود، با یک پرش گریه‌وار و باز کردن دستانش، شوت سنگین آسانی را از روی خط دروازه به کرتر فرستاد! این دبل سیو فرازمینی، نه تنها آلومینیوم در بازی نگه داشت، بلکه این پیام روشن را به تهران مخابره کرد که خلیفه برای پوشیدن بیرهن شماره یک استقلال در نیم‌فصل دوم، از همین حالا شمشیرش را از رو بسته است. او دو امتیاز حیاتی را از تیمی دزدید که به زودی کارفرمایش خواهد شد؛ یک خودزنی شیرین و قهرمانانه!

پرده سوم: پایان طلسم ۲۳۶ روزه در شبی که گره باز نشد
هر چه عقریه‌های ساعت جلوتر می‌رفت، استقلال، بیشتر در تله دفاعی آلومینیوم پیروز قربانی گرفتار می‌شد. سهراب که می‌دید تیمش توانایی عبور از دیوار خلیفه و مدافعان میزبان را ندارد، در دقیقه ۷۵ تصمیم گرفت از آخرین و البته جذاب‌ترین سلاح پنهان خود رونمایی کند. جلال‌الدین ماشا‌ریوف، ستاره خلاق ازبکستانی، پس از ۲۳۶ روزه دوری از میدانی فوتبال و پشت سر گذاشتن مصدومیتی طاقت‌فرسا، سرانجام به زمین مسابقه بازگشت. ورود ماشا‌ریوف موجی از امید را در سکوهای هواداران استقلال ایجاد کرد. حضور او می‌توانست گره‌گشای تیمی باشد که مهاجم تخصصی نداشت، اما ۱۵ دقیقه برای بازگرداندن بازیکنی که هشت ماه از شرایط مسابقه دور بوده، زمان بسیار اندکی بود. بازی در نهایت با همان تساوی بدون گل به پایان

دست گرفتند، اما پیچ‌خم‌های قانونی و بن‌بست‌های نقل و انتقالاتی، آنها را دوباره به اراک بازگرداند. حالا پیروز قربانی با صراحتی بی‌سابقه زیرمیز توافقات گذشته زده و مدعی است که این دو بازیکن را به آبی‌ها پس نخواهد داد. برای درک ابعاد این جنجال، باید فاش یک کوتاهی به تابستان داغ سال ۱۴۰۵ برنیم. مدیران استقلال در تیر و مردادماه با مانور رسانه‌ای فراوان از دو پدیده جوان رونمایی کردند؛ بهرام گودرزی در ۳۰ تیر ماه و محمد خلیفه در چهار مرداد به صورت رسمی به جمع آبی پوشان پیوستند و حتی در تمرینات پیش فصل استقلال نیز شرکت کردند. اما ناگهان یک شوک بزرگ به بدنه باشگاه استقلال وارد شد؛ بسته ماندن پنجره نقل و انتقالاتی. استقلالی‌ها که توانایی ثبت رسمی قرار داد این دو بازیکن در سازمان لیگ را نداشتند، برای جلوگیری از افت فیزیکی و دور ماندن آنها از شرایط مسابقه، راهکاری هوشمندانه (و البته پرریسک) اتخاذ کردند. طبق توافقی سه‌جانبه میان استقلال، آلومینیوم و بازیکنان، مقرر شد خلیفه و گودرزی نیم‌فصل نخست را با پیراهن سبز آلومینیوم به میدان بروند و به محض شدن هشت پنجره نقل و انتقالات استقلال در زمستان، به تهران بازگردند. استقلال حتی مبلغ رضایت‌نامه این دو بازیکن را هم به حساب باشگاه اراکی (ایرالکو) واریز کرد تا همه چیز رنگ و بوی یک توافق نهایی و قطعی به خود بگیرد.

همه چیز طبق نقشه پیش می‌رفت تا اینکه پیروز قربانی در نشست خبری پس از بازی مستقیم با استقلال، موضعی شگفت‌انگیز گرفت. سرمربی آلومینیوم که تیمش را بر پایه توانمندی‌های این دو بازیکن جوان شکل داده، رسماً اعلام کرد که اجازه خروج به آنها نخواهد داد: «یکسری توافقات از قبل بوده، اما من به مدیریت باشگاه گفته‌ام که به هیچ وجه در نیم‌فصل بازیکنی را از دست نمی‌دهم. من چرا باید خلیفه و گودرزی را بدهم؟ به عنوان سرمربی، با احترام به تمام کسانی که توافق انجام داده‌اند، کاملاً مخالف هستم و به آقای محمدی (مدیرعامل آلومینیوم) هم گفته‌ام تمهیداتی بیندیشد تا این دو در جمع ما بمانند.» این صحبت‌های تند و قاطع، شوک بزرگی به اردوگاه استقلال وارد کرد. هم‌زمان، مصاحبه محمد خلیفه، دروازه‌بان جوان آلومینیوم، بر ابهام افزود. خلیفه با لحنی محافظه کارانه و مبهم گفت که بازی مقابل استقلال برایش دشوار بوده، اما تأکید کرد حضورش در استقلال و تفاهم‌نامه موجود صدرصدی نیست و ممکن است اتفاقات دیگری رخ دهد!

پس از اظهارات جنجالی قربانی، این سوال در محافل فوتبالی مطرح شد که

مدیریت باشگاه استقلال، به ویژه علی تاجرنیا، رئیس هیئت‌مدیره، رهبری این کارزار حقوقی و رسانه‌ای را بر عهده گرفتند. آبی‌پوشان با تدارک یک پرونده قطور و ۱۷۰ صفحه‌ای، شامل دقیق‌ترین مستندات حقوقی، آرای مشابه فیفا و الگوهای بین‌المللی از سرنوشت لیگ‌های نیمه تمام، به فدراسیون فوتبال رفتند. استدلال آنها روشن و قاطع بود؛ با توجه به برگزاری بیش از دو سوم مسابقات، لیگ اعتبار قانونی دارد و جام باید به خانه صدر نشین برود. تاجرنیا با لحنی هشدارآمیز در رسانه‌ها اعلام می‌کرد که موضوع جام قهرمانی لیگ ۲۵، چیزی نیست که باشگاه از آن کوتاه بیاید و در صورت لزوم، پای فیفا، کنفدراسیون فوتبال آسیا و دادگاه‌های بین‌المللی ورزشی نیز به ماجرا باز خواهد شد.



رسید تا استقلال سهراب بختیاری زاده پس از سه برد پیاپی در هفته‌های آغازین، حالا روی توار تساوی‌ها گیر بیفتد و سومین مساوی متوالی خود (پس از فولاد و پرسپولیس) را دشت کند.

پرده آخر: هشدار به سهراب
ایستگاه اراک با تمام حواشی‌اش به پایان رسید، اما یک زنگ خطر بزرگ برای سهراب بختیاری زاده در فضای فوتبال

ایستگاه اراک با تمام حواشی‌اش به پایان رسید، اما یک زنگ خطر بزرگ برای سهراب بختیاری زاده در فضای فوتبال پیدا کند، اگر امتیاز از دست دادن هادامه آینده نتواند به مسیر پیروزی بازگردد و فاصله با صدر جدول بیشتر شود، همین هوادارانی که امروز برای اخراج ستاره‌ها هورا می‌کشند، فردا در سکوها و فضای مجازی بقیه سرمربی را خواهند گرفت. روزی فرا خواهد رسید که در صورت تداوم ناکامی‌ها، تیرر رسانه‌ها و فریاد سکوها تغییر خواهد کرد؛ چرا در حساس‌ترین مقطع فصل ستاره تیمت را اخراج کردی؟ چرا به خاطر یک اشتباه کوچک، سحرخیزان را روی نیمکت می‌خکوب کردی تا تیم بدون مهاجم بماند؟ سهراب بختیاری زاده در حال حاضر شمشیر دولبه انضباط را در دست دارد. او با این شمشیر، رختکن را مطیع کرده‌است، اما اگر نتواند هم‌زمان با این اقتدار، پیروزی‌ها را نیز به ارمغان بیاورد، همین شمشیر می‌تواند پیکره تیم خودش را زخمی کند. فوتبال ایران به ما آموخته است که مرز بین قهرمان اصول گرا و یک مربی لجباز، تنها به ضخامت چند امتیاز در جدول رده‌بندی است. سهراب باید در هفته‌های آینده ثابت کند که می‌تواند هم‌زمان هم اتورپته یک فرمانده را داشته باشد و هم ذکاوت یک فاتح را؛ در غیر این صورت، طوفان بی‌رحم سکوها، هیچ احترامی برای تصمیمات انضباطی قائل نخواهد بود.

آیا آلومینیوم از نظر قانونی حق نداشتن این دو بازیکن را دارد یا خیر؟ عادل عابدجوی، کارشناس حقوقی فوتبال، در بررسی این پرونده نکات مهمی را مطرح می‌کند: «طبق مصوبه اخیر فدراسیون فوتبال، عدم ثبت قرار داد در سازمان لیگ به دلیل بسته بودن پنجره، به معنای بی‌اعتباری قرار داد داخلی میان بازیکن و باشگاه نیست. استقلال با بازیکنان قرارداد معتبر امضا کرده‌است. باشگاه آلومینیوم نمی‌تواند صرفاً به دلیل نیاز فنی سرمربی خود، به‌طور فقه توافقی نامه را فسخ یا از انتقال جلوگیری کند. تنها صورتی که بازیکنان می‌توانند از بازگشت به استقلال سرباز زنند، عدم عمل به تعهدات مالی استقلال در قبال بازیکن است که در صورت اثبات، حق فسخ موجه را به خود باز یکن (و نه باشگاه آلومینیوم) می‌دهد.» با توجه به واریز هزینه رضایت‌نامه از سوی استقلال به حساب ایرالکو در زمان مدیریت قبلی (محمد رجنیان)، به نظر می‌رسد اراکی‌ها سندن محکمه‌پسندی برای ممانعت از این انتقال در دست نداشته باشند.

مدیران استقلال که نمی‌خواستند درگیر جنگ‌های روانی رسانه‌ای شوند، خیلی سریع با انتشار یک اطلاعیه رسمی و قاطع، پاسخ صحبت‌های پیروز قربانی را دادند. رسانه رسمی استقلال حتی با انتشار اسکرین‌شات از تاریخ عقد قرار داد با خلیفه (سه مرداد)، بر قانونی بودن مالکیت خود بر این بازیکن تأکید کرد. در بخشی از اطلاعیه باشگاه استقلال آمده است: «توافقات و اسناد منعقد شده در خصوص انتقال محمد خلیفه، از منظر باشگاه معتبر است و لازم‌الاجرا است و موضع استقلال تغییری نکرده است. باشگاه استقلال ضمن پایبندی به تعهدات خود، انتظار دارد سایر طرف‌ها نیز مطابق تعهدات عمل کنند. بدیهی است در صورت هر گونه اقدام مغایر، از تمامی حقوق قراردادی و قانونی خود صیانت خواهیم کرد.» آنچه مشخص است، پیروز قربانی قصد دارد تا آخرین لحظه برای حفظ مهرهای کلیدی‌اش بجنگد، او خوب می‌داند که جدایی خلیفه و گودرزی در نیم‌فصل، ساختار دفاعی و تاکتیکی آلومینیوم را دچار چالش جدی خواهد کرد. اما در طرف مقابل، استقلال هم که هنرهای مالی و حقوقی این انتقال را پرداخته، به هیچ عنوان حاضر نیست از حق قانونی خود بگذرد. باید دید آیا مدیریت باشگاه آلومینیوم از آگاهی تعهدات اخلاقی و قانونی مدیریت قبلی خود می‌ماند یا این پرونده به یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های شواکنیه در کمیته وضعیت فدراسیون فوتبال تبدیل خواهد شد. آیا پیروز قربانی می‌تواند زیرمیز توافق بزند، یا استقلال ستاره‌های جوانش را به پایتخت بازمی‌گرداند؟ زمستان نقل و انتقالات پاسخ این معما را خواهد داد.

اما درست در روزهایی که استقلالی‌ها منتظر برپایی جشن قهرمانی پیش از آغاز فصل جدید بودند، حیدر بهاروند، رئیس سازمان لیگ برتر که معمولاً در سکوت خبری به کارش ادامه می‌دهد، در یک گفت‌وگوی تلویزیونی جنجالی، آب پاکی را روی دست همه ریخت و مهر ابطال بر روی آبی‌ها کوبید. او با چهره‌ای آرام اما کلماتی برنده اعلام کرد: «هیئت‌رئیس فدراسیون فوتبال مصوب کرده است که این لیگ نیمه کاره، هیچ قهرمانی ندارد و پرونده مسابقات فصل گذشته برای همیشه بسته شده است.» این اظهارات صریح یک شوک بزرگ بود، اما بهاروند تیر خلاص را زمانی شلیک کرد که پرده از یک از چند ماهه برداشت.

رئیس سازمان لیگ مدعی شد که این تصمیم دو سه ماه پیش به تصویب رسیده و مدیران استقلال نه تنها از آن بی‌خبر نبوده‌اند، بلکه با حضور در سازمان لیگ، متن مصوبه را با چشم‌مان خود دیده‌اند! او تأکید کرد که تصمیم‌گیرنده نهایی هیئت‌رئیس است و فدراسیون زیر بار خواسته‌های یک‌طرفه نمی‌رود. علاوه بر این، بهاروند خبر از لغو قطعی مسابقات جام حذفی فصل گذشته داد تا دومین درخواست استقلال نیز رد شود. او حتی برگزاری جام حذفی در فصل آینده را به دلیل ۱۸ تیمی شدن لیگ و اضافه شدن حدود ۶۰ بازی از چند ماهه بر داشت.

حالا پرونده لیگ بیست‌وپنجم، لیگی که با سوت داوران آغاز شد و با صدای آژیر جنگ پایان یافت، بدون معرفی هیچ قهرمانی به تاریخ خانه تیرخ فوتبال ایران فرستاده شد. جامی که استقلالی‌ها مدت‌ها آن را در ویتترین افتخارات خود تصور می‌کردند، به یک سراب دست‌نیافتنی تبدیل شده است. اکنون باید دید آیا مدیریت استقلال این پایان تلخ و مصوبه هیئت‌رئیس را در سکوت می‌پذیرد، یا پرونده ۱۷۰ صفحه‌ای خود را به جریان انداخته و تهدیدهای بین‌المللی‌اش را عملی خواهد کرد؟ جنگ در مستطیل سبزه متوقف شد، اما جنگ در راه‌های فدراسیون شاید تازه آغاز شده باشد.